

واکاوی ظرفیت‌های الگوی اقتصاد مقاومتی جهت تحقق صدور انقلاب اسلامی

مرتضی علویان^{*۱}

عباس دهرویه^۲

چکیده

انقلاب‌های بزرگ دارای شأنی بین‌المللی بوده و به فراخور بزرگ و یا کوچک بودن، معمولاً منشاء اثرات گوناگونی هستند که انقلاب اسلامی ملت ایران در سال ۱۳۵۷ هـ.ش نیز از جمله‌ی همین گونه انقلاب‌ها بوده است. به سبب همین ویژگی، انقلاب اسلامی ایران در صحنه‌ی معادلات بین‌المللی به‌عنوان منبعی هویت بخش و الگویی برای همه‌ی امت‌های اسلامی، نقش مهمی را ایفا نموده و به همین دلیل اقتصاد مقاومتی به‌عنوان مدلی که حائز توان تضمین حرکت رو به رشد و توسعه‌گرایانه‌ی انقلاب اسلامی است و قابلیت انطباق جامعه‌ی اسلامی با پیشامدهای محیطی را دارد، از سوی رهبری و نخبگان سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مطرح گردید. تلاش پژوهش حاضر بررسی قابلیت‌های این مدل جهت صدور انقلاب به مفهوم تبدیل نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک الگو در میان کشورهای در حال توسعه بوده است. از این رو سؤال اصلی عبارت است از: اقتصاد مقاومتی شامل چه سوییچ‌ها و مؤلفه‌هایی است که ظرفیت و توانایی تبدیل شدن به الگو در راستای تحقق صدور انقلاب را دارا می‌باشند؟ به همین منظور با بکارگیری رهیافت کارکردگرایانه و روش توصیفی-تحلیلی نتایج بررسی مزبور بدین گونه حاصل شد که: الگوی اقتصاد مقاومتی به دلیل پیروی از قواعد و مبانی دینی و هم‌چنین به دلیل شکل‌گیری آن بر پایه‌هایی نظیر اصول مردم‌محوری و اقتصاد دانش بنیان، توان الهام بخشی برای حل مشکلات متجانس کشورهای در حال توسعه با توجه به ظرفیت‌های همگون این کشورها و در نتیجه صدور انقلاب را دارد.

کلیدواژه‌ها: صدور انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی، توسعه داخلی، کشورهای در حال توسعه.

Email: m.alavian@umz.ac.ir

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Email: Abbasdhr@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه مازندران

مقدمه

بنابر تعریف، تحولات سریع و خشن که منجر به آمد و رفت حاکمان نظام سیاسی یک کشور و تحول در این نظام‌ها می‌شوند زمانی نام انقلاب به خود می‌گیرند که با ایجاد تحولات عمیق در ارزش‌های اجتماعی و همچنین تغییرات گسترده‌ای در پایگاه اجتماعی نظام سیاسی، مشروعیت دولت و اقدامات آن و نیز ایدئولوژی هیأت حاکمه‌ی یک حکومت همراه باشند (خلیلی و مظفری، ۱۳۹۰: ۴۸). در همین چارچوب بدون تردید انقلاب‌ها دارای شأنی بین‌المللی بوده و در صحنه‌ی معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به فراخور بزرگ و یا کوچک بودن، منشاء اثرات گوناگونی هستند. انقلاب اسلامی ملت ایران در سال ۱۳۵۷ هـ.ش نیز به‌عنوان یک انقلاب بزرگ دارای شأنی بین‌المللی بوده‌است. علاوه بر جایگاه والای انقلاب اسلامی ایران در صحنه‌ی معادلات بین‌المللی، این انقلاب به دلیل آنکه بدون وابستگی نظری به مبانی نظری غالب عصر خود بر پایه‌ی مبانی و بایسته‌های نظری و عملی شریعت اسلام در جهت پیاده سازی یک نظام سیاسی اسلامی گام برداشت، به‌عنوان منبعی هویت‌بخش و الگویی برای همه‌ی امت‌اسلامی، نقش مهمی را ایفا کرد که این نقش‌آفرینی با سپری شدن ۴ دهه از عمر انقلاب اسلامی و به‌رغم تمام مشکلات و مسائل همچنان تداوم داشته‌است. همین ظرفیت در درون انقلاب اسلامی منجر به این امر شد که دولت جمهوری اسلامی ایران که محصول اراده و انقلاب اسلامی ملت ایران بوده است، صدور انقلاب را در درون سیاست‌های اجرایی خود تعریف کرده و درجهت احقاق آن بکوشد.

در حقیقت از آنجا که ایدئولوژی اسلامی بنابر تعبیر شهید مطهری برخلاف سایر ایدئولوژی‌ها که گروهی هستند و برای نجات و فلاح گروه، قوم و یا طبقه‌ی خاصی پدید آمده‌اند، نوعی از ایدئولوژی است که از نوع انسانی بوده و رستگاری نوع بشر را در نظر دارد و طرح آن شامل همه‌ی انسان‌هاست و همچنین از میان تمامی اقشار، گروه‌ها و ملت‌ها پشتیبان و حامی جلب می‌نماید و به تعبیر قرآنی: «النَّاسُ» مطمح نظرش است (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۸-۵۶)، جهت‌گیری نظام جمهوری اسلامی نیز بی‌تردید در همین راستاست زیرا محتوای این نظام مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. بنابراین صدور/انقلاب نه تنها به‌عنوان یک زائده یا مقوله‌ای بی‌اهمیت و فرعی نیست و نباید در قالب یک پروژه به آن نگریسته شود، بلکه این مقوله زمینه پرور و زمان پرور بوده و باید به‌عنوان یک پُروسه به آن نگریسته شود که حرکت دولت اسلامی در جهت تحقق آن امری الزامی است زیرا خاصیت ذاتی انقلاب مبتنی بر چارچوبی اسلامی، صدور ارزش‌ها و مبانی اصلی آن است.

در مسیر حرکت انقلاب اسلامی به سمت اهداف خود و تبدیل گشتن به یک الگوی کارا در تمامی ساحات اجتماعی و سیاسی، موانع و مشکلات بسیار زیادی پدید آمده‌اند. موانعی که در قالب‌های گوناگون توسط عوامل مخرب خارجی و یا به خاطر سوء مدیریت‌ها بر سر راه حرکت نظام اسلامی پدید آمدند و نظام سیاسی را دچار چالش‌هایی کرده‌اند. شاید اگر چالش‌ها و مسائل اقتصادی را مهم‌ترین سنخ از این گونه چالش‌ها نام ببریم، سخنی به‌گزارف نگفته باشیم. با نگاهی به آمارها و روندهای مربوط به وضعیت اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران این نکته مشخص می‌شود که چالش‌های اقتصادی به‌عنوان یکی از

مهم‌ترین مسائل و مانعی عمده بر سر راه حرکت انقلاب اسلامی و تبدیل شدن نظام جمهوری اسلامی در همه‌ی شئون به خصوص در مقولات اقتصادی به‌عنوان الگویی کارا و ممتاز برای سایر ملل مستضعف در جهت رفع مسائل خود، به‌وجود آمده‌اند و در واقع حوزه‌ی اقتصادی یکی از آسیب‌پذیرترین حوزه‌ها در سال‌های اخیر بوده است. در همین راستا *اقتصاد مقاومتی* به‌عنوان چارچوبی کارگشا برای رفع این مسائل و موانع، مورد تأکید مقام معظم رهبری، دولتمردان و نیز سایر کارشناسان و نخبگان اقتصادی کشور قرار گرفته که به تعبیر خلاصه و جامع آن را می‌توان الگویی دانست که حفظ روند رو به رشد اقتصاد به همراه کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی مهم‌ترین ویژگی آن است.

با توجه به این نکات، هدف پژوهش حاضر واکاوی ظرفیت‌های الگوی اقتصاد مقاومتی جهت تحقق صدور انقلاب اسلامی و در راستای آن است. به همین جهت پژوهش حاضر با بکارگیری روش تحلیل محتوا و در قالب سیاست‌پژوهی پیگیر چنین هدفی می‌شود. در واقع این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که: ظرفیت‌های الگوی اقتصاد مقاومتی جهت تحقق صدور انقلاب اسلامی چیست؟

به چنین مفاهیمی در قالب پژوهش‌های گوناگونی پرداخته شده است که برای نمونه می‌توان به آثار زیر توجه کرد:

حیدری و قربی (۱۳۹۵)، در قسمتی از پژوهش خود که به بررسی و سنجش قرابت‌های معنایی و مفهومی اقتصاد مقاومتی با تعاریف مختلف اقتصادی پرداخته‌اند، به این دلیل که اقتصاد مقاومتی متضمن یک استراتژی بلندمدت است و تنها به رفع تحریم‌ها محدود نمی‌شود، بیشترین ارتباط را میان اقتصاد مقاومتی و تعریف مربوط به اقتصاد الگو اعلام نمودند. اثر معلمی (۱۳۹۰) نیز اقتصاد مقاومتی را الگویی اسلامی دانسته که کیفیت تعامل و ارتباط نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای خارجی را تنظیم و سازمان‌دهی می‌کند. پژوهش حسین پور و محمدی سیاهبومی (۱۳۹۵) هم به‌رغم آنکه به‌طور کلی به دنبال تحلیل سیاست‌های متناسب اقتصاد مقاومتی برای خارج ساختن نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از بحران‌های گوناگون بوده اما در قسمتی که به بیان مصادیق اقتصاد مقاومتی پرداخته است، یکی از مصادیق مهم اقتصاد مقاومتی را اقتصاد الگو قلمداد کرده که رویکردی کوتاه‌مدت نبوده و در پی تبدیل نظام جمهوری اسلامی ایران به یک نمونه‌ی الهام‌بخش در جهان اسلام است و زمینه را برای تشکیل تمدن بزرگ اسلامی فراهم می‌کند. کام‌فیروزی، بنیادی‌نائین و موسوی (۱۳۹۲) نیز در اثر پژوهشی خود به این نکته اشاره می‌کنند که اقتصاد مقاومتی شیوه‌ای برای تحقق گونه‌ای از نظام اقتصادی اسلامی است که قابلیت اجرا در «تمدن بزرگ اسلامی» را دارد.

همان‌گونه که مشخص است، آثار فوق به‌رغم آنکه توجه شایانی به اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک الگو داشته‌اند اما توجه و تمرکز خود را معطوف به چستی ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی در راستای صدور انقلاب اسلامی به‌ویژه در میان کشورهای در حال توسعه ننموده و به همین جهت انجام چنین پژوهشی برای رفع این خلاء ضروری بوده است.

چارچوب نظری

تحقق اقتصاد مقاومتی در یک جامعه منوط به استفاده از مبانی این مفهوم از طرف مخاطبان آن است. بنا بر برداشت واکاوانه از مبانی اقتصاد مقاومتی، مخاطبان این مبانی جهت اجرا و پیاده‌سازی شامل هر دو گروه مردم و مسئولین آن جامعه هستند. بر اساس همین دیدگاه، نظریه کارکردگرایانه‌ی تالکوت پارسونز می‌تواند برای واکاوی ظرفیت اقتصاد مقاومتی در زمینه‌ی صدور انقلاب کارا باشد چرا که به‌طور توأمان هم به نقش افراد و کنش آنها و هم به نقش نهادهای یک نظام اجتماعی و خرده نظام‌های آن توجه داشته است. بنابر نظر پارسونز فرد به‌عنوان عضوی از یک کل به نظام اجتماعی در کنش و فعالیت است و عمل او در عین حال که شامل آزادی مطلق در رفتار انفرادی نیست و مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است اما جنبه‌ی ارادی و عقلانی دارد و کنشگر دارای خلاقیت، اختیار و نیروی ارزش‌یابی نیز هست (توسلی، ۱۳۸۶: ۲۳۴).

به‌طور کلی مکتب کارکردگرایی بر پیوستگی و کلیت و نه بر خرد کردن مسائل تأکید دارد و از اثبات‌گرایی و اندام‌گرایی تأثیر پذیرفته‌است. پارسونز را می‌توان بنیانگذار این مکتب در جامعه‌شناسی تلقی کرد و مفهوم سیستم، محور اصلی تحلیل او به‌شمار می‌رود. به نظر پارسونز سیستم دارای ۳ شرط اساسی است: (۱) اجزای یک نظام و خود نظام باید آرایش سازمانی داشته، و از مؤلفه‌های نسبتاً پایدار تشکیل شده باشند. (۲) مفهوم کارکرد: کارکردها برآوردن نیازهای نظام هستند که برای بقا به آنها نیازمند است. (۳) فرآیند: نظام متضمن فعالیت‌ها و تغییراتی است که نمی‌تواند تصادفی باشد و باید طبق الگوها و قواعدی صورت گیرد (حقیقت، ۱۳۹۴: ۲۳۸-۲۳۷).

می‌توان اقتصاد مقاومتی را نیز در همین چارچوب الگو و قاعده‌ای دانست که اجزای نظام اجتماعی اسلامی بر اساس مفاهیم آن در پی برآوردن نیازهای نظام مذکور در قالب فرآیندهایی که چارچوبی نظری و عملی مبتنی بر شریعت اسلامی دارند، هستند. با توجه به این نکته همان‌گونه که ذکر شد به دلیل آنکه انقلاب اسلامی از جمله انقلاب‌های بزرگ و با شأنی بین‌المللی بود، صدور انقلاب به‌طور ماهوی از جمله الزامات حرکت نظام اسلامی در مسیر چنین هدفی است و این هدف زمانی تحقق خواهد یافت که نظام اسلامی بتواند اثربخشی و کارآمدی خود در مواجهه با مشکلات و مسائل مهم را از طریق تأمین نیازهای نظام، در قالب یک الگو به دیگران ارائه نماید.

درباره‌ی چگونگی این عملکرد می‌توان از الگوی پارسونز بهره گرفت. در الگوی پارسونز هر نظام خود از خرده‌نظام‌ها یا نظام‌های فرعی شخصی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل می‌شود به‌طوری‌که نظام‌های فرعی به یکدیگر وابسته‌اند و برهم اثر می‌گذارند (قوام، ۱۳۹۲: ۴۲).

در واقع نظام اجتماعی را نباید یک خرده نظام تلقی کرد بلکه باید آن را نظامی متشکل از چهار خرده

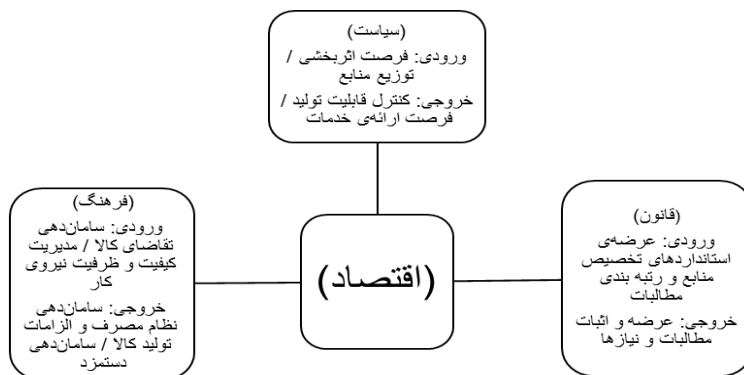
نظام دانست که متناسب و متناظر با انطباق^۱، هدف یابی^۲، تجانس^۳ و حفظ الگو^۴ هستند (توسلی، ۲۴۱:۱۳۸۶). تحلیل کارکردی خرده نظام‌های اجتماعی به این ترتیب صورت می‌پذیرد که: انطباق از طریق نظام‌های اقتصادی (سازمان‌های تولید)، هدف‌یابی از طریق نظام‌های اجتماعی و سیاسی (ادارات گوناگون)، تجانس از طریق اجتماعات هماهنگ کننده (نهادهای قانونی و مذهبی) و حفظ الگو از طریق نظام‌های اجتماعی کننده (مدرسه و خانواده) (تنهایی، ۱۹۲:۱۳۸۹). با توجه به این مطالب، کارکرد سازگاری و تطابق توسط نظام‌های اقتصادی در یک نظام اجتماعی انجام می‌پذیرد که در واقع به معنای سازگاری نظام اجتماعی با محیط و تنظیم آن در جهت رفع نیازهای مترتب بر آن است.

اقتصاد در این چارچوب ابزاری برای مقابله با خطرات ناشی از وضعیت‌های خارجی و احتمالات ناشی از آن است. الگوی سازگاری و تطابق با مجموعه فعالیت‌هایی که با تولید و توزیع ارتباط دارد مقایسه و تطبیق داده می‌شود. باید در نظر داشت که خرده نظام اقتصادی در درون یک نظام مبادله می‌تواند چنین کارکردی را از خود بروز دهد یعنی کارکرد سازگاری و تطابق با توجه به دریافت آن چه که برای تداوم کارکردش حیاتی است از طرف سه خرده‌نظام دیگر و همچنین اعطای فرآورده‌ی فعالیت خودش به آنها می‌تواند در درجه‌ی اول کارکرد خود را به نحو احسن به انجام برساند و در درجه‌ای بالاتر موجب تضمین تداوم حیات کلیت نظام شود.

در چارچوب کارکردگرایی از منظر پارسونز کلیت نظام را باید در رابطه با اجزاء کوچک‌تر آن مانند فرد و نهادهای مختلف جامعه یعنی اقتصاد، سیاست، دین و آموزش جست‌وجو کرد. همه‌ی این نهادها با سایر نهادها کارکردی مرتبط و به هم پیوسته دارند و برای حفظ یکدیگر وظایف خود را مبادله می‌کنند (توسلی، ۲۴۷-۲۳۹).

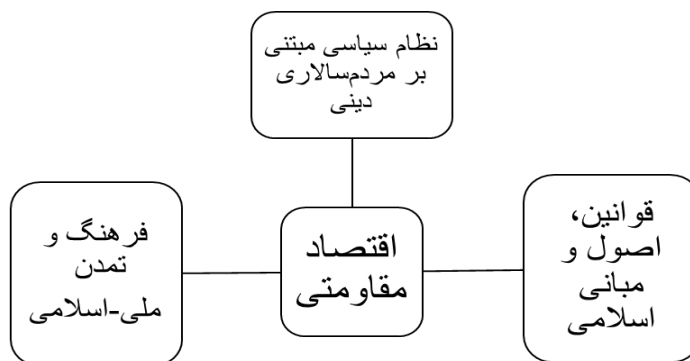
در چنین قالبی خرده نظام اقتصادی با سه خرده نظام دیگر که شامل حوزه‌های سیاسی، قانونی و فرهنگی هستند مبادلات زیر را انجام می‌دهد (پارسونز، ۱۹۶۳: ۲۶۰-۲۵۵).

-
1. Adaption
 2. Goal Attainment
 3. Integration
 4. Pattern Maintenance



نمودار ۱: مبادلات خرده نظام اقتصادی

با توجه به چنین چارچوبی می‌توان اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان یک الگو برای خرده نظام اقتصادی و در ارتباط با سه خرده نظام دیگر شامل: نظام سیاسی اسلامی، قواعد و قوانین اسلامی و فرهنگ اسلامی مورد واکاوی قرارداد. در حقیقت کارکرد اقتصاد مقاومتی در چنین نظامی انطباق و سازگاری نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و اهداف اسلامی در مواجهه با نیازها، مطالبات، الزامات و چالش‌های موجود در مسیر آن است. در پژوهش حاضر با بکارگیری چارچوب نظری مذکور و در قالب مدل زیر به دنبال واکاوی ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی در راستای کارکرد انطباق و سازگاری هستیم تا توان تبیین وضع موجود و ارائه‌ی الگو توسط آن را برای سایر کشورها در راستای مفهوم صدور انقلاب، مورد بررسی قرار دهیم.



نمودار ۲: نظام مبادله‌ی اقتصاد مقاومتی

بنابراین بر اساس رویکرد کارکردگرایانه می‌توان اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان یک خرده نظام در قالب یک نظام اجتماعی مورد مذاقه قرار داد. به بیان دقیق‌تر، انطباق و سازگاری با شرایط محیطی و تنظیم نظام کلی جامعه در راستای رفع نیازهای موجود که به‌عنوان کارکرد اصلی خرده‌نظام اقتصادی در رویکرد

کارکردگرایانه‌ی پارسونز مطرح شده و برای تحقق آن رابطه با خرده نظام‌های دیگر جامعه شامل: خرده نظام سیاسی، قانونی و فرهنگی الزامی تلقی شده است (قوام، ۱۳۹۲: ۴۲)، به‌طور جامعی متناظر با ظرفیت‌های مستتر در الگوی اقتصاد مقاومتی است.

با توجه به نکته‌ی فوق، مشکلات و ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه به‌مثابه‌ی شرایط محیطی است که نیازمند وجود یک الگوی کارا جهت تطبیق و سازگاری کلیت نظام اجتماعی با این شرایط است که در عین حال جهت انجام چنین کارکردی نیازمند ارتباط مؤثر و دقیقی با سه خرده نظام دیگر جامعه است (توسلی، ۱۳۸۶: ۲۳۹).

با در نظر گرفتن ابعاد اقتصاد مقاومتی این نکته مشخص گشت که چنین الگویی به ۳ دلیل عمده توانایی انجام کارکرد تطابق نظام اجتماعی را با ظرفیت‌های محیطی جهت رفع نیازهای موجود در یک جامعه‌ی در حال توسعه و در نتیجه تحقق توسعه داخلی را دارد: (۱) چنین الگویی در ارتباط با قوانین، اصول و مبانی دینی است که همگی ظرفیت‌های فراوانی جهت برطرف نمودن مشکلات محیطی جوامع در حال توسعه با فعال سازی ظرفیت‌های معنوی و مادی موجود در این مجموعه از کشورها را دارند. (۲) به دلیل آنکه ابعاد الگوی اقتصاد مقاومتی مانند: داشتن روحیه جهادی و اصلاح الگوی مصرف، متضمن ارتباط با فرهنگ و تمدن ملی- دینی است، توانایی ارائه‌ی یک مدل کارا جهت تطبیق یک جامعه با توجه به ظرفیت‌های بومی آن را دارد که در بیان ابعاد مزبور، به جنبه‌های فرهنگی چنین الگویی نیز با توجه به فرهنگ اسلامی و تمدن ملی اشاره شد. (۳) ابعاد اقتصاد مقاومتی بیان گر آن الگویی از اقتصاد هستند که در ارتباط با یک نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بوده و کارکرد خود را ارائه می‌دهند.

در نتیجه اقتصاد مقاومتی به دلیل ارتباط مستتر در ابعاد آن با سه خرده نظام سیاسی، قانونی و فرهنگی، توانایی تطبیق و سازگاری جامعه را با توجه به مشکلات جوامع در حال توسعه مانند: ضعف در شاخص‌های کلان اقتصادی، فساد اقتصادی، دولتی بودن اقتصاد و اقتصاد تک محصولی، با توجه به ظرفیت‌های موجود در این جوامع که شامل سرمایه‌های معنوی و مادی هستند، دارد و چنین امری به‌عنوان کارکرد خرده نظام اقتصادی در الگوی کارکردگرایانه‌ی پارسونز نیز بیان شده است (توسلی، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

صدور انقلاب

پس از تبیین مبانی نظری مورد نظر در این پژوهش، به دلیل آنکه از صدور انقلاب برداشت‌های گوناگونی صورت می‌گیرد، لازم است تا پیرامون مفهوم مد نظر این پژوهش از صدور انقلاب مطالبی را ارائه دهیم و به همین منظور در این قسمت از پژوهش به این امر می‌پردازیم. یکی از مسائل مهم در هر انقلابی که شامل ابعاد گوناگونی از جمله: دگرگونی اسطوره‌های جامعه، تغییر ساختار اجتماعی، دگرگونی نهادها، تغییراتی در صورت‌بندی رهبری و حاکمیت رفتارهای خشونت‌آمیز در جهت فروپاشی یک رژیم است (کوهن، ۱۳۸۵: ۵۷)، مربوط به موضوع تعامل آنها با نظام بین‌المللی می‌شود. در واقع به میزانی که اصول

یک انقلاب شامل آرمان‌های جهانی و فطری باشد، اعتقاد انقلابیون به قابلیت کاربرد آن برای جوامع دیگر نیز راسخ‌تر خواهد شد. در همین چارچوب اگر آرمان یک انقلاب احیای یک تمدن براساس اندیشه‌ی خاص متأثر از دین باشد، امکان صدور انقلاب از جانب انقلابیون افزایش خواهد یافت زیرا در چنین قالبی صدور انقلاب برخاسته از طبیعت انقلاب است.

به‌طور کلی صدور انقلاب را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند در نظر گرفت که در خلال آن، ارزش‌ها و اهداف اصلی یک انقلاب از حالتی نظری و تئوریک در عمل بروز و ظهور پیدا می‌کنند. صدور انقلاب اسلامی نیز در چنین چارچوبی قابل تبیین است. در واقع، اصل صدور انقلاب اسلامی بر مبنای تعلق اسلام به اینای بشریت بنا شده است زیرا بر اساس تلقی فطری از انسان در انقلاب اسلامی، ارزش‌ها در انسان در قالب یک سلسله تقاضاها در سرشت وی از جمله خواست حقیقت، عدالت و کرامت‌های اخلاقی دارای اصالت است (مطهری، ۱۳۷۰: ۵۳-۵۲).

در قالب چنین چارچوبی انقلاب اسلامی با ساخت گفتمانی جدید براساس مؤلفه‌های اسلامی و ارائه‌ی تفسیری نوین از دین اسلام، مرزبندی مشخصی را با گفتمان‌های مسلط ایجاد کرد و مبارزه‌ای برای جایگزینی ارزش‌های موجود در قوانین و قواعد اسلامی را به‌جای ارزش‌های ایدئولوژی‌های مسلط آغاز نمود (شریعتی و عباسی‌شاهکوه، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی موضوع صدور انقلاب و ارزش‌های آن در قالب چارچوب‌های گوناگونی مورد پیگیری قرار گرفت که شامل: آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی بوده‌اند. در چارچوب آرمان‌گرایی پیگیری صدور انقلاب بدون توجه به نظام حاکم در روابط بین‌الملل مورد نظر آرمان‌گرایان بود و در چارچوب واقع‌گرایی، پیگیری صدور انقلاب در قالب هم‌گرایی در نظام بین‌المللی و با تأکید بر دیپلماسی صورت پذیرفت. در چنین چارچوبی تأکید بر نهادینه شدن مقررات حقوق بین‌الملل از مؤلفه‌های اصلی بود (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۵-۱۰۴۲).

اما آنچه که پژوهش حاضر به‌عنوان چارچوبی برای صدور انقلاب مورد تأکید قرار می‌دهد و بکارگیری آن را در این زمینه مفید می‌داند، الگوی مسالمت‌آمیز صدور انقلاب در چارچوب دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی است. در حقیقت اگر نظام جمهوری اسلامی ایران بتواند در عرصه‌های گوناگون و در مواجهه با مشکلات و مسائل مختلف، کارایی، توان مدیریت و سازمان‌دهی مناسبی را از خود بروز دهد، بهترین راهکار برای صدور انقلاب خواهد بود. در همین راستا بروز نقش دولت سرمشق و توسعه‌ی داخلی گواهی برای ابطال ادعاهای مطرح شده مبتنی بر وجه قهرآمیز و خشن صدور انقلاب اسلامی نیز هست. تأکید امام‌خمینی(ره) در همین زمینه بر این نکته بوده که صدور انقلاب به معنای صدور بیداری ناشی از انقلاب اسلامی به سایر ملت‌های مستضعف جهان برای خروج آنان از زندگی تحت سلطه، تاراج منابع و ذخائر آنها و تداوم وجود فقر در میان‌شان بوده و تأکید بر صدور این مفهوم معنوی به‌طور مسالمت‌آمیز صورت پذیرفته است (امام‌خمینی(ره)، ج ۱۳، ۱۳۸۵: ۲۸۱). بنابر نظر مقام معظم‌رهبری نیز در حقیقت صدور انقلاب اسلامی با جاذبه‌های خودش ممکن خواهد بود و نیازی به اقدام قهرآمیز ندارد. اگر به صدور

انقلاب به‌مثابه‌ی صدور یک کالا نگریده نشود انقلاب اسلامی می‌تواند با پیشروی در مسیر درست و منطقی برای همه‌ی ملت‌ها جاذب باشد و در این صورت صدور آن اتفاق خواهد افتاد (جعفرزاده و خلیلی، ۱۳۹۲: ۴۲-۳۰). در نظر گرفتن چنین چارچوبی می‌تواند بسیاری از مشکلات بکارگیری چارچوب‌های پیشین از جمله: چالش بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، درون‌گرایی و برون‌گرایی و نیز بین ملی‌گرایی ایرانی و انترناسیونالیسم اسلامی را با ارائه‌ی تعریفی دقیق از منافع ملی و مصالح اسلامی بر طرف نماید. نکته‌ی مهم اهمیت برقراری پیوندی تعاملی، همسان و متوازن بین حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع در قالب چنین چارچوبی است (دهشیری، ۱۳۹۰: ۲۱۵)؛ که در نگرش کارکردگرایانه‌ی پارسونزی چنین تعاملی برای تداوم حیات یک نظام اجتماعی و کارایی آن مورد تأکید قرار گرفته است.

پژوهش حاضر با توجه به چنین دیدگاهی نسبت به صدور انقلاب به دنبال واکاوی ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی برای تبدیل نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت سرمشق جهت تحقق صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی است.

ابعاد اقتصاد مقاومتی

پس از تبیین مفهوم مورد نظر این پژوهش از صدور انقلاب، اکنون به واکاوی ظرفیت‌های موجود در الگوی اقتصاد مقاومتی در راستای تحقق صدور انقلاب می‌پردازیم.

بکارگیری یک الگو با توجه به مقتضیات هر جامعه‌ای جهت نیل به پیشرفت و تحقق رشد در همه‌ی عرصه‌ها امری گریزناپذیر است. به همین جهت، برنامه‌ریزی اقتصادی و اتخاذ راهبردهای اقتصادی نیز نیازمند توجه به مقتضیات بومی، تحولات بین‌المللی و فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر هر جامعه و همچنین ظرفیت‌های نظام اقتصادی و نخبگان آن جامعه است (حیدری و قربی، ۱۳۹۵: ۳۹). اقتصاد مقاومتی نیز الگویی است که با توجه به مقتضیات یک جامعه‌ی حق‌جو به دنبال تحقق پیشرفت و رشد در عرصه‌ی اقتصاد و تحقق کارویژه‌ی انطباق توسط آن است. در همین چارچوب، اقتصاد مقاومتی الگویی است که در پی آسیب‌زدایی ساختارهای اقتصادی موجود از طریق ایجاد ساز و کارهای اقتصادی با رویکردی انقلابی، جهادی و مبتنی بر اصول اسلامی است.

الگوی مذکور، در پی تداوم رشد و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی در شرایطی است که فشارهای بیرونی و کاستی‌های داخلی مشکلاتی را برای حرکت جامعه‌ی اسلامی به سمت پیشرفت و تعالی به‌وجود آورده‌اند. بنابراین اقتصاد مقاومتی را می‌بایست الگویی اسلامی دانست که بهترین روش برای تغییر در وضعیت ملت‌های مستضعف جهان که از سوی دولت‌های مستکبر عالم مورد ستم واقع شده‌اند را تلاش در راستای تحقق افزایش رفاه عمومی و تحقق عدالت اجتماعی از طریق فقرزدایی و سازمان‌دهی جریان تولید به منظور افزایش ثروت عمومی می‌داند.

این الگو دارای ابعاد گوناگونی است. با توجه به دغدغه‌های مطرح شده از سوی رهبری انقلاب اسلامی، نظرات کارشناسان و نخبگان اقتصادی و همچنین سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی (پایگاه

اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲)، می‌توان ابعاد اقتصاد مقاومتی را شامل: (۱) داشتن روحیه جهادی، تحرک و پویایی در شاخص‌های کلان اقتصادی، (۲) توانایی مقابله در برابر مسائل تهدیدزا و امنیت اقلام راهبردی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، (۳) مردم‌محوری و فسادستیزی، (۴) اصلاح وضعیت اقتصاد تک‌محصولی، (۵) اصلاح الگوی مصرف و (۶) دانش‌محوری در اقتصاد دانست (هاشم‌پور، عزیزی، صیادی و اسدی، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۲۰). با توجه به این ابعاد می‌توان به واکاوی ظرفیت‌های اقتصاد مقاومتی در زمینه‌ی تحقق صدور انقلاب با توجه به تشابه ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه و نیز تجانس مشکلات آنها پرداخت.

در واقع، هدف اصلی صدور انقلاب اسلامی، ملتهایی هستند که کشورهای آنها شرایط در حال توسعه بودن را تجربه می‌کنند و انقلاب اسلامی باید به‌مثابه‌ی یک مرجع الهام‌بخش جهت نیل به توسعه برای چنین ملتهایی به نقش‌آفرینی بپردازد که مشکلات عمده‌ی اقتصادی آنها را می‌توان شامل: رشد اقتصادی پائین، نرخ تورم بالا، بهره‌وری پائین نیروی کار، دولتی بودن اقتصاد، درصد بیکاری بالا، فقر عمومی، اقتصاد تک‌محصولی، ضعف نهادی، مسائل جمعیتی، واردات بی‌رویه و استقراض غیرمطلوب خارجی و بدهی‌ها (ساعی، ۱۳۹۱: ۹۳-۱۷۸) دانست. در همین راستا شایان ذکر است که سازمان ملل متحد نیز در قالب برنامه‌ی توسعه خود^۱ اهداف توسعه‌ی پایدار را شامل: رفع فقر و گرسنگی، ارتقای کیفیت آموزش، نوآوری در اقتصاد، اصلاح و تقویت زیرساخت‌ها، کاهش نابرابری، مسئولیت‌پذیری در تولید و مصرف و همچنین توجه به محیط زیست می‌داند (یوان دی پی، ۲۰۱۸).

داشتن روحیه جهادی؛ تحرک و پویایی در شاخص‌های کلان اقتصادی

پیگیری تحقق بهبود وضعیت اقتصادی و تداوم وجود تحرک در شاخص‌های کلان در چارچوب اقتصاد مقاومتی از طریق حمایت و تقویت تولید ملی میسر خواهد شد. برای تقویت تولید ملی الگوی اقتصاد مقاومتی توسعه‌ی مهارت‌ها و افزایش بهره‌وری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها قلمداد کرده است (هاشم‌پور، عزیزی، صیادی و اسدی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۵).

بهره‌وری که به معنای تجمیع کارایی و اثربخشی است زمانی تحقق پیدا می‌کند که کمترین هزینه همراه با بیشترین ارزش افزوده به‌طور توأمان رقم بخورد و کارهای مفید از طریق انتخاب صحیح اهداف صورت بگیرد که این امر را می‌بایست در سازمان‌دهی و مدیریت بهینه و مؤثر پرداخت‌ها در بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی دولتی و خصوصی و همچنین در آموزش هدفمند نیروی کار با تأکید بر ترویج ارزش‌های اخلاقی پیگیری کرد. قواعد و اصول اسلامی نیز برای ارتقای بهره‌وری مرجعی بسیار مناسب می‌باشند. زیرا از منظر اسلام مهم‌ترین خصوصیت یک انسان مؤمن، کم‌هزینه بودن در ضمن حضور پرتلاش و خدومانه نسبت به جامعه و مردم است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳؛ ج ۲۱۱). علاوه بر این،

1. United Nations Development Program

۲. «مَا كُنْتُ إِلَّا خَفِيفَ الْمُنُونَةِ كَثِيرَ الْمَعُونَةِ»

روحیه‌ی جهادی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در زمینه‌ی تقویت تولید ملی است. اسلام نیروی انسانی را به‌عنوان عنصر اساسی در مسیر تولید می‌داند و از منظر اسلام مهم‌ترین عنصر در رابطه با نیروی انسانی، کار است. بر اساس قواعد اسلامی منشاء مالکیت کار است که چنین نکته‌ای در قرآن و در قالب آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی نجم^۱ مورد تأکید قرار گرفته است. اما از منظر اسلام کار تنها برای برآورده ساختن آرزوهای فردی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه به‌عنوان وظیفه و تعهد اجتماعی افراد نیز هست (میرآخور و عسکری، ۱۳۹۴: ۳۴۴).

تحقق چنین کاری تنها با روحیه‌ی جهادی ممکن خواهد بود. چنین روحیه‌ای یعنی باور به توانایی‌ها در کنار کار بی‌وقفه و استفاده از همه‌ی ظرفیت‌ها. از منظر رهبری انقلاب اسلامی نیز کار جهادی یعنی: از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن و فراموش نکردن آرمان‌ها و جهت‌های اصلی (هاشم‌پور، عزیز، صیادی و اسدی، ۱۳۹۳: ۷۰-۶۸).

بی‌تردید چنین روحیه کاری به معنای دوری از بی‌حوصلگی و سستی و کسالت در کارهاست. توصیه‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) به حضرت علی (ع) نیز در چنین چارچوبی بوده زیرا موجب نپذیرفتن حق و ادا نکردن درست و کامل حق امور خواهد شد^۲ (حکیمی، ج ۱، ۱۳۸۰: ۵۳۵). در حقیقت، جبران عقب افتادگی‌های ناشی از سال‌ها استعمار به‌عنوان یکی از مشترکات کشورهای در حال توسعه (ساعی، ۱۳۹۱: ۵۲)، داشتن چنین روحیه‌ای را طلب می‌کند که در اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید واقع شده است.

توانایی مقابله در برابر مسائل تهدیدزا و امنیت اقلام راهبردی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی

استقلال خواهی و داشتن حرف نو باعث شکل‌گیری توطئه‌های دشمنان یک ملت مستقل و نوآور خواهد شد؛ لذا توانایی اقتصاد در مقابل هر چیزی که امکان قرارگیری در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد بسیار مهم است. اقتصاد چنین ملتی باید توان ترمیم سریع در برابر اثرات شوک‌های بیرونی را در کنار توانایی مقاومت در برابر شوک‌ها و توانایی برای جلوگیری از بروز شوک به‌طور توأمان داشته باشد. در چنین قالبی است که در بین هدف‌های نظام اقتصادی اسلام هدف استقلال اقتصادی در راستای امنیت اقتصادی قرار دارد. با توجه به این نکته، اقتصاد می‌تواند کارکرد تطبیق و پاسخ درخور به مسائل تهدیدزا و عدم تکافوی اقلام راهبردی را ارائه نماید.

برای مستحکم نمودن اقتصاد در برابر تهدیدات، ترویج روحیه‌ی استقلال‌طلبی که جزء قواعد اساسی اسلامی است مورد تأکید قرار می‌گیرد. برای نمونه قاعده‌ی «نفی سبیل» باید در عرصه‌ی اقتصادی نیز ترویج یابد. در کنار چنین مقوله‌ای امنیت اقلام راهبردی اهمیت فراوانی دارد. با نگاهی به وضعیت کشورهای در حال توسعه مشخص می‌گردد که تسلط بیگانگان بر اقتصاد آنان و نیز تراز تجاری منفی آنها در حوزه‌ی اقلام راهبردی به رغم ظرفیت‌های فراوان آنان برای رفع این معضلات، دو مورد از مهم‌ترین

۱. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»

۲. «إِنَّا كَ وَ حَصَلَتَيْنِ الضَّجْرَةَ الْكَمَلَةَ فَإِنَّكَ إِنْ صُجِّرْتَ لَمْ تُصْبِرْ عَلَى حَقِّ وَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا»

مسائل این گروه از کشورها است. در واقع، هدف اصلی خودکفائی و امنیت اقلام راهبردی، عدم وجود مشکل در رفع نیازهای اساسی جامعه است. تنظیم روابط اقتصادی یک جامعه‌ی اسلامی باید به گونه‌ای باشد که چنین هدفی تحقق یابد. به طور موردی اقلام راهبردی برای کشور ایران که نیازمند خودکفائی در رابطه‌ی با آنان است شامل: محصولات مهم کشاورزی مانند: گندم، غذا، دارو و زیرساخت‌های صنعت نظامی است. قواعد اسلامی تأکیدات بسیاری در مورد هر کدام از این حوزه‌ها دارد. برای نمونه منزلت کشاورزی طبق روایات اسلامی به مثابه‌ی محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند است^۱ (طوسی، ج ۶، ۱۴۰۷ هـ ق: ۳۸۴) و نسبت به آن تشویق صورت گرفته است.

مردم محوری و فساد ستیزی

یکی از ارکان اساسی اقتصاد مقاومتی تکیه بر نقش و قدرت مردم است. مهم‌ترین نکته برای تحقق این رکن از الگوی اقتصاد مقاومتی توانمندسازی بخش خصوصی در حوزه‌ی اقتصاد است. خصوصی سازی به عنوان مصداق عملی توانمندسازی بخش خصوصی یکی از عوامل مهم افزایش کارایی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. در این مجموعه کشورها اندازه‌ی دولت^۲ در حوزه‌ی اقتصادی بسیار بزرگ بوده و نقش آحاد مردم به همان نسبت در عرصه‌ی مدیریتی اقتصاد بسیار اندک است. چنین وضعیتی موجب کارایی پائین اقتصادی در این کشورها به دو دلیل شده است: الف) کارایی هدف عمده‌ی مدیران اقتصادی دولتی نیست و ب) دخالت‌های مأموران سیاسی موجب تغییرات پی‌درپی و بی‌ثباتی در اهداف کلی مؤسسات اقتصادی شده است.

الگوی اقتصاد مقاومتی در همین چارچوب و بر اساس مبانی اسلامی بر حضور مردم در اقتصاد به عنوان یکی از عوامل اساسی و مهم پیشرفت و رشد اقتصادی در راستای تحقق عدالت اجتماعی تأکید می‌ورزد. برای نمونه تأکید و تشویق مردم از جانب مبانی اسلامی جهت انجام کارها به صورت جمعی، تأکید بر همراهی نصرت الهی با جماعت در کلام حضرت علی(ع)^۳ (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۱۷۰) و هم‌چنین ضرورت تعاون به عنوان یکی از مصادیق حضور فعال و مؤثر مردم در عرصه‌ی اجتماع در قالب آیه‌ی ۲ سوره‌ی مائده^۴، بیانگر اهمیت چنین مؤلفه‌ای از منظر اسلام هستند. حضرت علی(ع) نیز طبق خطبه‌ی سوم نهج‌البلاغه^۵ یکی از علل مهم پذیرش مقام رهبری جامعه را وجود نصرت‌آفرین و حمایت‌های مردم ذکر فرمودند (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۳۱). در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز حمایت‌های مردمی چه در زمان پیروزی انقلاب و چه در زمان جنگ تحمیلی مؤید همین نکته است (طاهری، ۱۳۶۹: ۲۴۶-۲۴۴). برای

۱. «ما فی الأعمال شئٌ أَحَبُّ إِلَی اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الزَّرَاعَةِ»

2. Size of Government

۳. «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»

۴. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»

۵. «لَوْلَا حُضُورُ الْخَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَاوُوا عَلَى كِطْلَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَغْبِ مَظْلُومٍ لِأَلْقَبْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبَتِهَا»

تحقق اهداف اسلامی در یک جامعه‌ی اسلامی مردمی شدن اقتصاد در کنار مردم‌سالاری دینی امری اجتناب‌ناپذیر است زیرا مهم‌ترین عامل برپایی یک نظام توحیدی و تحقق عدالت اجتماعی مستلزم حضور و حمایت مردم است. این خصیصه آثار فراوانی جهت حل مشکلات اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی برای کشورهای در حال توسعه دارد که می‌توان به برطرف کردن نابرابری‌های دستمزدی (چالو، نابین و اسجیرو، ۲۰۱۶: ۴۷۴) و فساد ستیزی (وسکانیان، ۲۰۰۰: ۴۴) اشاره کرد. اقتصاد مقاومتی در کنار تأکید بر مردمی شدن عرصه‌ی اقتصاد، مبارزه با فساد را نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف خود مورد تأکید قرار داده‌است به‌طوری‌که یکی از بندهای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی توسط رهبری انقلاب اسلامی بر شفاف‌سازی اقتصادی، سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات فسادزا تأکید نموده است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲). در پی مبارزه با فساد ضمن آنکه خزانه‌ی کشور صرف مردم می‌شود و نه ویژه‌خواران، انگیزه‌های تحصیل ثروت از طریق نامشروع نیز در بین فعالان اقتصادی از بین می‌رود. در واقع فساد یکی از موانع اصلی سرمایه‌گذاری و به‌طور کلی تحقق عدالت اجتماعی است که یکی از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با آن همان‌طور که اشاره شد، خصوصی‌سازی است. باید به این نکته توجه داشت که در طی فرآیند خصوصی‌سازی باید آحاد مردم وارد صحنه‌ی اقتصادی کشور بشوند و خصوصی‌سازی منجر به انتقال سرمایه‌های عظیم به عده‌ای که «سوءاستفاده‌چی» و «قانون‌دان‌های قانون‌شکن» هستند، نگردد زیرا لطمات فراوانی به دلیل سوء مدیریت این افراد به چرخه‌ی اقتصادی و صنعتی کشور وارد خواهد شد (هاشم‌پور، عزیزی، صیادی و اسدی، ۱۳۹۳: ۹۶-۱۰۰). مبانی اسلامی نیز در چنین چارچوبی به‌عنوان یک الگوی رفتاری در قالب تقوا به مذمت فساد و ناهنجاری‌های اقتصادی پرداخته‌اند.

اصلاح وضعیت اقتصاد تک‌محصولی

یکی از میراث‌های شوم دوران استعمار برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تمرکز صادراتی^۱ و اقتصاد تک‌محصولی این کشورهاست. چنین وضعیتی موجب آسیب‌پذیری شدید اقتصادی آنها به دلیل عدم توانایی در تأمین نیازهای متنوع، انزوای بخش صنعتی و تداوم عقب‌ماندگی این بخش، کنترل‌های دولتی به‌وجود آورنده‌ی زمینه‌های ویژه‌خواری و فساد، قدرت مانور کم در بازارهای بین‌المللی و بالاخره آسیب‌پذیری و ضربه‌پذیری کل نظام اقتصادی این کشورها در برابر نوسانات قیمت محصول صادراتی شده است (ساعی، ۱۳۹۱: ۱۹۸-۱۹۹). این ویژگی، یکی از عوامل اصلی تبدیل نعمت منابع طبیعی به نعمت است. پائین بودن کیفیت نهادی موجب عدم مدیریت صحیح منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه شده است. برای نمونه، وفور منابع طبیعی به‌ویژه در اقتصادهای نفتی یک چرخه‌ی تباہ‌کننده پدید آورده که کیفیت نهادی در این کشورها را در وضعیت نامطلوب‌تری قرار داده است. اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک الگو در ایران که اقتصاد تک‌محصولی آن بر پایه‌ی نفت است، در پی تحقق قطع وابستگی

1. Export concentration

بودجه‌ی اقتصادی به نفت و افزایش سالانه‌ی سهم صندوق توسعه‌ی ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز است (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲). به‌عنوان نمونه یکی از مصادیق اصلی سنجش کیفیت نهادی موضوع حکمرانی خوب^۱ است که به‌عنوان روشی است که بر اساس مجموعه‌ای از ویژگی‌ها به اعمال قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی برای نیل به توسعه می‌پردازد (علویان و زارع‌پور، ۱۳۹۶: ۳۹). در چنین چارچوبی مبانی عقاید و باورها اهمیت بسیار زیادی جهت تعیین‌کنندگی کیفیت نهادی در قالب حکمرانی خوب را دارند. در حقیقت ظرفیت و توان مبانی و قواعد اسلامی در هر شش مؤلفه‌ی حکمرانی خوب یعنی: حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی^۲، کنترل فساد^۳، ثبات سیاسی^۴، حاکمیت قانون^۵، کیفیت بوروکراسی^۶ و کارایی و اثربخشی دولت^۷ بی‌تردید موجب برطرف گشتن ضعف نهادی شده و در نهایت امکان مدیریت صحیح منابع طبیعی برای برون رفت از دام تمرکز صادراتی را فراهم می‌سازند زیرا این مجموعه مبانی و قواعد، توجه فراوانی بر عوامل نهادی جهت تداوم رشد و توسعه اقتصادی داشته‌اند (مبارک و آذرپیوند، ۱۳۸۸: ۱۹۵-۱۹۳).

اصلاح الگوی مصرف

مصرف بهینه در یک جامعه نقش مهمی در روند رشد و توسعه‌ی اقتصادی دارد زیرا میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری که مهم‌ترین منابع در راستای توسعه هستند، بخشی از درآمد ملی است که پس از مصرف باقی می‌ماند. بنابراین مدیریت مصرف برای کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است. با توجه به این نکته، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف است که مؤلفه‌های آن شامل: شناسایی نیازهای واقعی و رعایت صرفه‌جویی در بهره‌گیری از امکانات و منابع است.

آیات و احادیث بسیاری برای تحقق چنین وضعیت مطلوبی وجود دارد. برای نمونه جهت اجتناب از اسراف و تذبذب آیات ۲۶ و ۲۷ سوره‌ی اسراء^۸ ارتکاب چنین اعمالی را به مثابه‌ی هم‌سوئی با شیطان ذکر نموده‌است، آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی انعام^۹ نیز چنین عملی را موجب دوری از لطف الهی می‌داند، آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی غافر^{۱۰} هم اسراف را موجب دوری از مسیر هدایت الهی می‌داند و بالاخره آیه‌ی ۹ سوره‌ی انبیا^{۱۱} از اسراف به‌عنوان عامل هلاکت جامعه نام می‌برد. در حقیقت، قواعد اسلامی مسئولیت فرد در قبال جامعه

1. Good Governance
2. Voice and Accountability
3. Control of Corruption
4. Political Stability
5. Rule of Law
6. Quality of Bureaucracy
7. Efficiency and Effectiveness

۸. «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذِرْ تَبْدِيرًا / إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»

۹. «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

۱۰. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»

۱۱. «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ»

را متناسب با توانایی، منابع در اختیار و ظرفیت‌های وی می‌دانند. اگر افراد جامعه‌ای اسراف را به‌عنوان یک فعل حرام و منکر قلمداد کردند و به‌طور توأمان ملزم به رعایت صرفه‌جوئی و قناعت شدند، تعداد افرادی که الگوی مصرف خود را به سمت یک مصرف بهینه تغییر می‌دهند افزایش خواهد یافت زیرا عملاً امر به معروف (قناعت و صرفه‌جویی) و نهی از منکر (اسراف و تبذیر) اتفاق خواهد افتاد. به همین دلیل نیز آغاز چنین روندی میان مسئولین یک نظام اسلامی ضرورت دوچندان دارد.

دانش‌محوری در اقتصاد

یکی از عمده‌ترین معضلات کشورهای در حال توسعه ضعف توانایی در بخش‌های نهادی، اقتصادی و تکنولوژیکی است. برای غلبه بر چنین معضلی، حرکت به سمت روش‌های نوآورانه مبتنی بر دانش‌محوری از طریق تنظیم قوانین و قواعد حاکم و همگام‌سازی آنها در این مجموعه کشورها می‌تواند منجر به توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی شود (لی، وریس و زو، ۲۰۱۷: ۳۴۵). یکی از ارکان اصلی الگوی اقتصاد مقاومتی نیز حرکت به سمت یک اقتصاد دانش‌بنیان^۱ است که بر پایه‌ی نقش دانش و فن‌آوری در رشد اقتصادی از طریق تولید، توزیع و استفاده از دانش تعریف می‌شود (اُ ای سی دی، ۱۹۹۶: ۹). در چنین قالبی دانش به‌عنوان اصلی‌ترین عامل ارتقای بهره‌وری در نظر گرفته می‌شود که همان گونه که ذکر شد یکی از اساسی‌ترین معضلات کشورهای در حال توسعه است. بکارگیری اقتصاد دانش‌بنیان و صادرات کالاهایی با فن‌آوری بالا علاوه بر اینکه موجب تغییر نقطه اتکای ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه از عوامل خارجی به سمت درون‌زایی می‌شود، بلکه زمینه‌ای مناسب برای رشد اقتصادی بدون تکیه بر اقتصاد تک محصولی را نیز فراهم می‌سازد.

همان‌گونه که در تعریف اقتصاد مقاومتی ذکر شد چنین الگویی به دنبال تداوم رشد اقتصادی، کاهش آسیب‌پذیری ساختار اقتصادی و مقاوم شدن آن جهت تحقق عدالت اجتماعی است و اقتصاد دانش‌بنیان متضمن تحقق همه‌ی این اهداف است. قواعد و مبانی اسلامی نیز در زمینه‌ی دانش‌محوری به دلیل تأکیدات فراوان به مثابه‌ی یک مرجع الهام بخش هستند زیرا به شدت نسبت به کسب دانش توصیه نموده‌اند تا حدی که از منظر آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی فاطر^۲ تنها طریق آگاهی نسبت به مقام خداوند، دانش دانسته شده و بنابر آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی آل عمران^۳ نیز کسب دانش، انسان را به مراتب بالای تعالی و آگاهی نسبت به خداوند می‌رساند.

1. Knowledge-Based Economy

۲. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»

۳. «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

نتیجه‌گیری

هدف نوشتار حاضر بررسی ظرفیت‌های مترتب بر الگوی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان قالبی کارا در راستای تحقق صدور انقلاب اسلامی بوده است. یافته‌های تحلیلی این پژوهش، مبین این نکته است که اقتصاد مقاومتی بنابر مفاهیم و چارچوبی که واجد آنها است، ظرفیت بسیار گسترده‌ای در راستای تحقق صدور انقلاب اسلامی ایران دارد. اگر صدور انقلاب در قالبی تعریف شود که به معنای تبدیل جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک منبع الهام‌بخش به لحاظ نظری و الگویی کارا به لحاظ عملی در نظر گرفته شود و هم‌چنین با امعان نظر بر مشکلات متجانس و قابلیت‌های هم‌گون کشورهای در حال توسعه، واکاوی خصوصیات یک الگوی مؤثر برای این کشورها در دستور کار پژوهشگران و نخبگان قرار بگیرد، آن‌گاه اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک الگوی جامع شناخته خواهد شد که بالاترین توان تطبیقی را به لحاظ کارکردی در جوامع در حال توسعه ایفا می‌کند. در واقع کارکرد اقتصاد مقاومتی، تطبیق جامعه با نیازها، مشکلات و مطالبات پدید آمده از سوی محیط است و بی‌تردید تشکیل اقتصاد مقاومتی بر مبنای قواعد اسلامی به دلیل جامعیت‌شان، مهم‌ترین رکن این الگو جهت پاسخ‌گویی مؤثر به مجموعه مطالبات و نیز برطرف نمودن مشکلات است.

در همین راستا تناظر ظرفیت‌های موجود در ابعاد اقتصاد مقاومتی و مسائل کشورهای در حال توسعه منطبق با جدول زیر است:

جدول ۱: تناظر ابعاد اقتصاد مقاومتی و مسائل کشورهای در حال توسعه

ابعاد اقتصاد مقاومتی	مسائل کشورهای در حال توسعه
داشتن روحیه جهادی؛ تحرک و پویایی در شاخص‌های کلان اقتصادی	رشد اقتصادی پائین، بهره‌وری پائین نیروی کار، نرخ تورم بالا، درصد بیکاری بالا، فقر عمومی و سرمایه‌ی انسانی ضعیف
توانایی مقابله در برابر مسائل تهدیدزا و امنیت اقلام راهبردی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی	استقراض غیرمطلوب خارجی، بدهی‌ها و فقر و گرسنگی
مردم محوری و فساد ستیزی	نابرابری اجتماعی، تصدی‌گری دولت در اقتصاد و ناکارآمدی و ضعف نهادی
اصلاح وضعیت اقتصاد تک‌محصولی	تک پایه بودن اقتصاد، وابستگی اقتصادی و ضعف نهادی
اصلاح الگوی مصرف	واردات بی‌رویه، ضعف تولید ملی و فقدان مسئولیت پذیری در تولید و مصرف
دانش محوری در اقتصاد	فقدان نوآوری در اقتصاد و ضعف زیرساخت‌ها

بنابراین با کاربست اقتصاد مقاومتی می‌توان ظرفیتی را که در کشورهای در حال توسعه موجود است به فعلیت رساند و در این راستا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به دلیل ظرفیت‌های موجود در الگوی اقتصاد مقاومتی مرجعی الهام‌بخش برای این کشورها باشد.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸)، «تنش زدایی در سیاست خارجی، مورد: جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۶۷)»، مجله‌ی سیاست خارجی، شماره ۱۳.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1932>
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: مرنديز.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جعفرزاده، حسین و خلیلی، محسن (۱۳۹۲)، «بازنمایی الگوی صدور انقلاب در اندیشه‌ی سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸)»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۸.
- حسین پور، داوود و محمدی سیاهبومی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای برون‌رفت از بحران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۱۶.
- حقیقت، صادق (۱۳۹۴)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)، الحیاه، ترجمه‌ی احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری، منصور و قربی، محمدجواد (۱۳۹۵)، «پژوهشی در معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۷.
- خلیلی، محسن و مظفری، مریم (۱۳۹۰)، «مقایسه مفهوم صدور انقلاب در انقلاب‌های فرانسه و روسیه»، دو فصلنامه علمی- تخصصی جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۱.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰)، «بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ساعی، احمد (۱۳۹۱)، مسائل سیاسی-اقتصادی جهان سوم، تهران: سمت.
- شریعتی، شهروز و عباسی شاهکوه، مهدی، ۱۳۹۲، «جنبش نرم افزاری به مثابه صدور انقلاب اسلامی»، راهبرد توسعه، شماره ۳۳.
- شریف‌رضی، محمدبن حسین (۱۳۸۶)، نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: هدی.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۶۹)، انقلاب و ریشه‌ها، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ هـ.ق)، تهذیب‌الحکام، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

- علویان، مرتضی و زارع‌پور، محمد (۱۳۹۶)، «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه‌سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۱۱.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، *سیاست‌های مقایسه‌ای*، تهران: سمت.
- کام‌فیروزی، محمدحسن، بنیادی‌نائین، علی و موسوی‌لقمانی، سیده‌اشرف (۱۳۹۲)، «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵۲.
- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۸۵)، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران: قومس.
- مبارک، اصغر و آذریبوند، زیبا (۱۳۸۸)، «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳هـ.ق)، *بحارالانوار*، بیروت: انتشارات مؤسسه وفا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، انسان و ایمان، کتابخانه سایت نسیم مطهر، موجود در: <http://old.aviny.com/library/motahari/PDF/ensan-va-iman.pdf>
- معلمی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، «مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی، اولین همایش اقتصاد مقاومتی»، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۶۲-۷۲.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- میرآخور، عباس و عسکری، حسین (۱۳۹۴)، *اسلام و مسیر توسعه اقتصادی و انسانی*، ترجمه‌ی علی باقری دولت‌آبادی، قم: دانشگاه مفید.
- هاشم‌پور، محمدامیر؛ عزیزی، وحید؛ صیادی، مهدی و اسدی، احمد (۱۳۹۳)، *اقتصاد مقاومتی سکوی پیشرفت و عدالت*، تهران: خیزش نو.
- Chao, C, Nabin, M & M. Sgro, X. (2016), "Wage inequality and welfare in developing countries: Privatization and reforms in the short and long run", *International Review of Economics & Finance*, 42, 474-483.
- Lee, H, Vries, H & Zoo, H. (2017), "Interplay of Innovation and Standardization: Exploring the Relevance in Developing Countries", *Technological Forecasting and Social Change*, 118, 334-348.
- OECD, (1996), *The Knowledge-Based Economy*. Available at: <https://www.oecd.org/sti/sci-tech/1913021.pdf>
- Parsons, T. (1963), "On the Concept of Political Power", *Proceedings of the American Philosophical Society*, 107(3), 232-262.
- UNDP (July/31/2018). "Sustainable Development Goals", Available at: <http://www.undp.org/content/undp/en/home/sustainable-development-goals.html>
- Voskanyan, F. (2000), "A Study of the Effects of Corruption on Economic and Political Development of Armenia", American University of Armenia, Yerevan, Available at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/ASPA/UNPAN000533.pdf>.